



عنوان مقاله:

«تفاوت‌های اسم فاعل و صفت مشببه در ادبیات عرب»

استاد راهنما:

«حجة الاسلام والمسلمین خانجانی»

پژوهشگر:

«علیرضا بامشاد»

مقطع تحصیلی:

«پایه ۱»

شماره پرونده:

«(۹۴۱۹۵)»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان مقاله: تفاوت‌های اسم فاعل و صفت مشبیه در ادبیات عرب
نام نویسندگان: علیرضا بامشاد - حجت الاسلام والمسلمین خانجانی «زید عزه»

چکیده:

ادبیات عرب به علت گستردگی مباحث و مملو بودن از مطالب ادبی اعم از ضروری و غیر ضروری، معمولاً مخاطبان‌ش را در گذرگاه‌هایی چون ترجمه و تفسیر و نتیجه‌گیری از متون و استدلال از کتب مختلف در مطالب علمی سردرگم می‌کند. طبیعی است که برای تسلط به یک موضوع، پرداختن به آن از جنبه‌های مختلف، کمک بسزائی در این باره می‌کند. اسم فاعل و صفت مشبیه دو کلمه‌ای هستند که معمولاً برای شناختن و تمییز آن دو از یکدیگر، به خصوص در ترجمه و بیان مفاهیم قرآن نیاز به قواعد و مستندات ادبی دارد لذا تحقیق در این زمینه فرد را به شناخت آن دو هدایت می‌کند تا در فهم بهتر قرآن و ترجمه روایات از آن بهره مند گردد. بنابراین شناخت تفاوت‌ها و شباهت‌ها و اوزان و قواعد آن دو نقش مهمی در درک مفاهیم دارد.

کلید واژه:

اسم فاعل، صفت مشبیه، تفاوت‌ها، ادبیات عرب، ترجمه قرآن

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول؛ کلیات و مفاهیم	۲
گفتار ۱؛ تعریف ادبیات عرب	۲
گفتار ۲؛ تعریف علم صرف	۲
گفتار ۳؛ تعریف اسم فاعل	۲
گفتار ۴؛ تعریف صفت مشبّهه	۲
گفتار ۵؛ وزن عروضی	۳
گفتار ۶؛ وزن تصریفی	۳
فصل دوم؛ تفاوت‌ها و شباهت‌های ادبی اسم فاعل و صفت مشبّهه	۴
پیش زمینه	۴
گفتار ۱؛ شباهت‌ها	۴
گفتار ۲؛ تفاوت‌ها	۴
گفتار ۳؛ نحوه ساخت اسم فاعل	۸
گفتار ۴؛ قواعد اعلالی جاری بر اسم فاعل	۸
گفتار ۵؛ نحوه ساخت صفت مشبّهه	۹
فصل سوم؛ تأثیر تفاوت‌های اسم فاعل و صفت مشبّهه در ترجمه قرآن	۱۰
گفتار اول؛ تأثیر تفاوت‌ها	۱۰
گفتار دوم؛ مصادیق	۱۰
فصل چهارم؛ نتیجه‌گیری	۱۳
منابع؛ کتابنامه	۱۵

مقدمه:

همانطور که همه ما می‌دانیم زبان قرآن عربی است و برای فهم بهتر قرآن و فهماندن درست آن که کتاب هدایت زندگی بشر است باید با زبان آن آشنا شد. ادبیات عرب تونلی است که با گذشتن و عبور کردن از آن به درجه‌ای از فهم قرآن و به دنبال آن، فهم روایات خواهیم رسید.

اسم فاعل و صفت مشبیه دو مؤلفه ادبی هستند که در ادبیات عرب و با جایگاه‌های متفاوت، هر یک نقشی را ایفا می‌کنند و به علت داشتن شباهت‌هایی، ممکن است بعضی مواقع از حیث لفظ یا معنا توسط افراد، جابجا یا غیر صحیح تشخیص داده شوند. با توجه به اینکه در قرآن کریم موارد این چنینی که احتمال خطا در تشخیص این دو مبحث وجود دارد، به وفور یافت می‌شود و درک غلط هر یک از این موارد می‌تواند تأثیر زیادی در فهم ناصحیح آیات داشته باشد، باید اقدامی در جهت شناختن و نحوه‌ی تمایز این دو کلمه از یکدیگر صورت بگیرد.

در این پژوهش سعی می‌شود که مخاطب به راه درستی در ترجمه آیاتی که اسم فاعل و صفت مشبیه در آن‌ها وجود دارد برسد و در کنار رسیدن به این هدف، شناختن اسم فاعل و صفت مشبیه از جهات گوناگون و آشنایی با صفات و ویژگی‌های آن‌ها نیز به طور نسبی حاصل می‌شود.

برای رسیدن به این اهداف، تلاش شده که در ابتدا با استقراء در کتب ادبی مختلف نظرات مشهور درباره این دو مبحث بیان شده و مطالب به صورت دسته‌بندی شده و مفید عرضه گردد، سپس به بیان اهمّ تفاوت‌هایی که برای شناخت و تمییز آن دو باید بدان مسلط بود پرداخته و در نهایت به صورت کاربردی در آیات روح‌بخش قرآن کریم در قالب چند مصداق اشاره می‌شود تا برای استفاده کنندگان از یافته‌های به دست آمده در تمام آیات قرآن کریم و نیز روایات ائمه معصومین (سلام الله علیهم اجمعین) الگوئی مناسب و شروعی مثبت و مفید ارائه گردد.

إن شاء الله.

فصل اول؛ کلیات و مفاهیم

گفتار ۱؛ تعریف ادبیات عرب: ادبیات عرب یا علوم عربیه مجموعه‌ای از علوم ادبیه (ادبی) می‌باشد که شامل: صرف، نحو، لغت، اشتقاق، کتابت، قرائت، تجوید، معانی، بیان، بدیع، شعر، انشاء، أمثال و تاریخ ادبیات می‌باشد.^۱

گفتار ۲؛ تعریف علم صرف: صرف در لغت به معنی تغییر دادن و در اصطلاح عبارت است از چگونگی ایجاد تغییرات مختلف بر روی کلمات برای به دست آوردن معانی مختلف و یا جهت ایجاد سهولت در تلفظ. البته باید توجه داشت که علم صرف کلمه را به تنهایی و بدون در نظر گرفتن نقش و جایگاه آن در ارتباط با کلمات دیگر بررسی می‌کند. بررسی کلمات [با در نظم گرفتن] نقش و جایگاه آنها با کلمات دیگر بر عهده علم نحو می‌باشد.^۲

گفتار ۳؛ تعریف اسم فاعل: فاعل در لغت از ریشه [ف ع ل] و به معنی انجام دهنده کار می‌باشد. که البته در کتاب معجم الوسیط اسم فاعل به عنوان اسمی معرفی شده که انجام فعلی را به او نسبت می‌دهند و^۳ در اصطلاح صرفی، اسمی است که دلالت می‌کند بر حدث و ذاتی از لحاظ صدور یا اتّصاف، یعنی اگر آن حَدَث یک فعل است از آن ذات صادر می‌شود و اگر آن حدث صفت است از آن ذات مُتَّصِف می‌گردد که این صدور یا اتّصاف به صورت حدوثی و غیر ثابت است.^۴

گفتار ۴؛ تعریف صفت مشبّهه: صفت در لغت از ریشه [و ص ف] و به معنای: نشان

۱. بدایة النّحو، ص ۱۵ و صرف مقدّماتی [زبان قرآن دوره مقدّماتی ۳]، ص ۱۳.

۲. شرح نظام بر شافیه، ص ۴۱ و شرح شافیه ابن حاجب المشهور بکمال، ص ۵. در کتاب شرح نظام بر شافیه علم صرف این گونه تعریف شده است: «التصريف: علم بأصول تعرف بها أحوال أبنیة الكلام التي ليست بإعراب» به این معنا که علم صرف، علمی است که به وسیله اصول آن احوال ساختمان کلمات شناخته شده و آن علم درباره اعراب کلمات بحث نمی‌کند.

۳. المنجد، صفحه‌ی ۵۸۸ و المعجم الوسیط، صفحه‌ی ۱۴۴۹.

۴. علوم العربیه، جلد ۱، ص ۳۵۶.

و چگونگی یا ویژگی است.^۱ کلمه مشبّه نیز از ریشه [ش ب هـ] که در لغت به معنی: شبیه و مانند کردن و شبیه دانستن است.^۲ و از آنجا که کلمه [مشبّه] اسم مفعول از باب تفعیل می‌باشد می‌توان معنای لغوی «صفت مشبّه» را ویژگی و صفت تشبیه شده دانست^۳ و در اصطلاح عبارت است از: اسمی که دلالت می‌کند بر حدث و ذاتی بر وجه اتّصاف.^۴

گفتار ۵؛ وزن عروضی: عبارت است توازن و تطابق دو کلمه در اصل حرکات و سکانات، به عنوان مثال دو کلمه‌ی «مَسْجِد» و «جَوْهَر» در اصل حرکات و سکانات مطابق و هم وزن عروضی با یکدیگر هستند که در هر دو کلمه: حرف اول و سوم متحرک و حرف دوّم ساکن است.^۵

گفتار ۶؛ وزن تصریفی: این وزن در مقابل وزن عروضی قرار دارد و عبارت است از توازن و تطابق دو کلمه در اصل حرکات و سکانات و نیز در نوع این حرکات و سکانات. به عنوان مثال دو کلمه‌ی «جَوْهَر» و «گَوْهَر» هم وزن تصریفی با یکدیگراند چرا که علاوه بر متحرک بودن حرف اوّل و سوّم و ساکن بودن حرف دوّم در هر دو، حرکت حرف اوّل و سوّم در هر دو کلمه، فتحه می‌باشد.^۶

۱. المنجد، صفحه‌ی ۹۰۳ و المعجم الوسیط، صفحه‌ی ۲۲۰۶.

۲. المنجد، صفحه‌ی ۳۷۳ و المعجم الوسیط، صفحه‌ی ۱۰۰۶.

۳. منظور از ویژگی و صفت تشبیه شده، تشبیه شده به اسم فاعل است. همانطور که در کتب ادبی از جمله کتاب مغنی الادیب، باب رابع ص ۴۲۸ نیز ذکر شده است، هر دو یا چند چیزی که با هم متفاوت و دارای تفاوت هستند در ابتدای امر دارای شباهت‌هایی بوده‌اند که با شناخت این شباهت‌ها تفهیم تفاوت‌ها صورت می‌گیرد. هدف ما نیز از انجام این پژوهش شناخت این تفاوت‌هاست که علم به شباهت‌های این دو معبر است برای رسیدن به غایت.

۴. علوم العربیه، جلد ۱، ص ۳۶۲.

۵. مغنی الادیب، باب رابع، ص ۴۲۹.

۶. در کتاب مغنی الادیب ابن هشام انصاری، این تقسیم‌بندی به فردی به نام عبدالله بن احمد خشّاب از نحویین بغداد نسبت داده شده است. مغنی الادیب، باب رابع، ص ۴۲۹.

فصل دوم؛ تفاوت‌ها و شباهت‌های ادبی اسم فاعل و صفت مشبیه

پیش زمینه: از مباحث قابل اهمیت صرف و نحو که در این فصل به آن پرداخته خواهد شد. ملاک و میزان شناخت اسم فاعل از صفت مشبیه است. اما همانطور که گفته شد برای شناخت و فهم تفاوت‌های میان دو شیء باید ابتدا به اشتراکات و اجزاء و ارکان شبیه به هم در آنها پرداخته شود. چرا که در علوم ادبی هر گاه درباره ملاک تفاوت دو چیز با هم صحبت می‌شود از این جهت است که آن دو شیء از جهاتی شبیه به هم هستند به طوری که برای شناخت تفاوت‌هایشان و تشخیص و تمایز میان آنها نیاز به معیار مشخص می‌باشد فلذا در ابتدای بحث به بیان تعدادی چند از مشترکات میان اسم فاعل و صفت مشبیه می‌پردازیم و سپس بحث اصلی را که برشمردن تفاوت‌های آن دو پیش خواهیم گرفت.

گفتار ۱؛ شباهت‌ها: ۱- شباهتی که میان اسم فاعل و صفت مشبیه به چشم خورده و قابل توجه است شباهت در مدلولشان است به این گونه که؛ هر دو دلالت بر معنایی و صاحب آن معنا می‌کند، لکن اسم فاعل دلالتش به نحو حدوثی و صفت مشبیه ثبوتی است. ۲- شباهت این است که هر دو مفرد و تثنیه و جمع دارند. ۳- اینکه هر دو مؤنث و مذکر دارند و ۴- اینکه اسم فاعل و صفت مشبیه در برخی از اوزانشان با هم مشترک‌اند به عنوان مثال «قائم» که اسم فاعل است با «ظاهر» که صفت مشبیه می‌باشد. هر دو در وزن «فاعل» استعمال شده‌اند.^۱

گفتار ۲؛ تفاوت‌ها:

فرق اول: اسم فاعل هم از فعل لازم و هم از فعل متعدی ساخته می‌شود مانند:

قَوْمَ [فعل ثلاثی مجرد و لازم] ← قائم - ضَرَبَ [فعل ثلاثی مجرد و متعدی] ← ضارب
استخْرِجَ [فعل ثلاثی مزید و متعدی] ← مُسْتَخْرِج - استکَبَرَ [فعل ثلاثی مزید و لازم] ←

۱. مغنی الادیب، باب رابع، ص ۴۲۸.

۲. تمام یازده تفاوتی که قید خواهد شد از صفحه ۴۲۸ تا ۴۳۲ کتاب و مغنی الادیب و در باب رابع این کتاب آمده است.

اما صفت مشبّه فقط از فعل لازم ساخته می‌شود مانند:

حَسَنَ [فعل ثلاثی مجرد و لازم] ← حَسَنَ - جَمَلَ [فعل ثلاثی مجرد و لازم] ← جمیل.

فرق دوّم: اسم فاعل صلاحیت تطبیق بر هر سه زمان ماضی، حال و آینده را دارد لذا جایز است بگوییم: [زیدٌ ضاربٌ أمس] - [زیدٌ ضاربٌ الآن] - [زیدٌ ضاربٌ غداً]، اما صفت مشبّه تنها صلاحیت تطبیق بر زمان حال و حاضر^۱ را دارد و فقط می‌توان گفت [زیدٌ حَسَنٌ الآن] و نمی‌توان گفت [زیدٌ حَسَنٌ أمس] و [زیدٌ حَسَنٌ غداً]. بخاطر اینکه اگر صفت مشبّه را با زمان غیر از حال و حاضر تطبیق دهیم، آن را محدود به زمان کرده و ثبوتی بودنش دچار مشکل می‌گردد.

فرق سوّم: اسم فاعل در اصل حرکات و سکانات مطابق و همانند فعل مضارع خود است؛

يَضْرِبُ ← ضَارِبٌ

البته باید توجه داشت که تطابق در نوع حرکات لازم نیست، مثلاً مفتوح بودن حرف اول در هر دو ملاک نیست بلکه اصل ساکن و متحرک بودن در تطابق آنها کافیست.^۲ به عبارتی دیگر اسم فاعل همواره هم وزن عروضی با فعل مضارع خود است اما صفت مشبّه گاهی مطابق و مُجاری با وزن عروضی فعل خود است؛

يَنْطَلِقُ ← مُنْطَلِقٌ

و گاهی غیر هم وزن عروضی با فعل مضارع خود است؛^۳

يُظْرَفُ ← ظَرِيفٌ

فرق چهارم: این است که معمول منصوب اسم فاعل می‌تواند مَقْدَم بر اسم فاعل شود مثل:

«زیدٌ عمراً ضاربٌ» که در اصل «زیدٌ ضاربٌ عمراً» بوده است. اما تقدّم معمول منصوب

۱. مراد از زمان حال و حاضر عبارت است از زمان ماضی که متصل است به زمان حاضر و حال تکلم نه آن زمان ماضی که از زمان حاضر و حال تکلم بعید و دور است.

۲. ملاک تطابق اسم فاعل با فعل مضارع خود در زمان قبل از اعلال فعل مضارع است.

۳. صفت مشبّه غالباً غیر مطابق و غیر هم وزن عروضی با فعل مضارع خود است.

صفت مشبّه بر آن به علت ضعف در عمل جایز نیست. بنابراین صحیح نیست گفته شود:
«زیدٌ وجهٌ حسنٌ» و صحیح آن «زیدٌ حسنٌ وجهٌ».

فرق پنجم: معمول اسم فاعل می‌تواند «سببی»^۱ یا «أجنبي»^۲ باشد در حالی که معمول صفت مشبّه واجب است سببی باشد.

اسم فاعل: زیدٌ ضاربٌ عمراً (أجنبي) - زیدٌ ضاربٌ غلامه (سببی)

صفت مشبّه: زیدٌ حسنٌ وجهٌ (فقط می‌تواند سببی باشد و نمی‌تواند أجنبي باشد).

فرق ششم: اسم فاعل با آن فعلی که از آن مشتق شده مخالفت در عمل نمی‌کند یعنی اگر فعل لازم بوده باشد، اسم فاعل آن نیز لازم و اگر متعدی بوده باشد، اسم فاعل هم متعدی (دارای مفعول) خواهد بود. و نیز حتی اگر آن فعل متعدی به بیش از یک مفعول باشد، اسم فاعل نیز متعدی به همان تعداد مفعول به است. اما در صفت مشبّه این گونه نیست. همان گونه که گفته شد^۳ صفت مشبّه از فعل لازم گرفته می‌شود پس طبق آنچه در اسم فاعل رخ می‌دهد انتظار می‌رود که صفت مشبّه نیز لازم بوده، مفعول نگیرد ولیکن اینطور نیست و صفت مشبّه گاهی اسمی را بنا بر شبه مفعول بودن نصب می‌دهد.

فرق هفتم: حذف اسم فاعل و نیز بقاء و ذکر معمول آن جایز است در حالی که حذف صفت مشبّه و بقاء و ذکر معمول آن صحیح نمی‌باشد. مثلاً برای اسم فاعل می‌شود گفت:
«هذا ضاربٌ زیداً و عمراً» که عمراً معمول اسم فاعل محذوف است.^۴ و برای صفت مشبّه جایز نیست بگویم (مررت برجل حسن الوجه والفعل) که «الوجه» به واسطه اضافه «حسن» به آن مجرور می‌باشد و نمی‌توانیم «الفعل» را به اعتبار «الوجه» مجرور، منصوب در نظر بگیریم.

۱. معمول سبی: این است که معمول یک نحو ارتباط با اسم قبل از اسم فاعل یا صفت مشبّه داشته باشد که در اینجا غالباً این معمول اسم فاعل و صفت مشبّه دارای ضمیری است که به اسم آن‌ها راجع است.

۲. معمول أجنبي: این است که معمول اسم فاعل یا صفت مشبّه هیچ گونه ارتباطی با اسم آن‌ها ندارد.

۳. این مطلب در فصل دوم، گفتار دوم و تحت عنوان فرق اول، اسم فاعل و صفت مشبّه بیان گردیده است.

۴. باید توجه داشت که آن اسم فاعل محذوف منون (تنوین‌دار) است زیرا اضافه به معمول نشده است و اصل عبارت این بوده: «هذا ضاربٌ زیدٌ و ضاربٌ عمداً. البته در اینجا دو ترکیب دیگر نیز حایز است: ۱- تقدیر گرفتن یضربُ به جای ضاربٌ و ۲- عطف فعل به شبه فعل که عطف مشابّه (شبه فعل) بر مشابّه (شبه فعل) اولی است.

چرا که صفت مشبَّه به خلاف اسم فاعل که به علت شباهتش به فعل حتی در تقدیر می‌تواند عمل کند، ضعیف‌العمل است.

فرق هشتم: این است که اگر اسم فاعل صفت برای موصوفی باشد، حذف موصوف آن و اضافه شدن اسم فاعل به اسمی که آن اسم اضافه به ضمیری شده باشد که مرجع آن همان موصوف است، **قیح** نمی‌باشد. مانند این مثال: (مررت بقاتلِ أبيه)، که در اصل این گونه بوده است: (مررت برجلِ قاتلِ أبيه) در حالی که در صفت مشبَّه جایز نیست بنابراین نمی‌توان گفت: (مررت بحسنِ وجهه) و آن را در اصل این گونه دانست: (مررت برجلِ حسنِ وجهه).

فرق نهم: اصل در این است که بین اسم فاعل و منصوب و مرفوعش گاهی فاصله ایجاد شود مثلاً: «زیدٌ ضاربٌ فی الدارِ أبوه عمراً» که «ضاربٌ» و أبوه عمراً «مرفوع و منصوبش»، فی الدارِ فاصله شده است. در حالی که نزد جمهور نحوین، این فاصله در صفت مشبَّه جایز نیست. یعنی نمی‌شود گفت: (زیدٌ حسنٌ فی الحربِ وجهه)، چه وجهه و به رفع (بنا به فاعل بودن) و چه به فتح (بنا به شبه فعل بود) قرائت شود به خاطر عدم جواز فاصله، جایز نیست.

فرق دهم: برای معمول اسم فاعل می‌توان هر نوع تابعی از قبیل بدل، عطف بیان یا تأکید و... آورد، در حالی که برای معمول صفت مشبَّه از بین توابع، صفت آورده نمی‌شود.

فرق یازدهم: این است که اگر اسم فاعل به یک اسمی اضافه شود، جایز است که تابع از محل آن اسم آورده شود.^۱ اما تابعیت محلی از مجرور و مضاف الیه صفت مشبَّه به خلاف اسم فاعل جایز نیست. مثلاً صحیح نیست گفته شود: (هو الحسن الوجه و البدن) که «البدن» را عطف بر محل «الوجه» بدانیم.

لازم به یادآوری است برخی از این تفاوت‌ها ممکن است که به مباحث نحوی مرتبط باشد ولی چون برخی از مباحث آن با صرف وابسته است لذا در این تحقیق طرح گردیده است.

- در این جا به بیان این یازده تفاوت از اسم فاعل و صفت مشهور در کتب ادبی می‌باشد بسنده کرده و سعی می‌شود نکاتی چند در رابطه با اسم فاعل و صفت مشبَّه به صورت مجزا

۱. البته در نزد کسانی که محرز و طالب محل را در اعراب محلی شرط نمی‌دانند.

در گفتارهای بعدی آورده شود تا آن دو اسم مشتق را بهتر بشناسیم.

گفتار ۳؛ نحوه ساخت اسم فاعل:

الف) در ثلاثی مجرد: بر وزن فاعل می‌آید مانند ذاهب.

ب) در غیر ثلاثی مجرد: با قرار دادن میم مضموم به جای حرف مضارعه و مکسور

نمودن حرف ما قبل آخر آن ساخته می‌شود^۱ مانند:

يَسْتَخْرِجُ ← مُسْتَخْرِجٌ

يَتَعَلَّمُ ← مُتَعَلِّمٌ^۲

گفتار ۴؛ قواعد اعلالی جاری بر اسم فاعل^۳:

۱- معتل الفاء: مانند صحیح است و اعلالی در آن وارد نیست. مانند: وارث - واعد - یاسر

۲- معتل العین: عین الفعل در اسم فاعل قلب به همزه می‌گردد مانند: بائع - قائم - خائف.

و در غیر ثلاثی مجرد تابع مضارع است یعنی اگر فعل مضارع اعلال شده باشد، اسم فاعل نیز اعلال می‌شود در غیر اینصورت اعلال نمی‌شود:

يَخْتَارُ ← مُخْتَارٌ - يَنْقَادُ ← مُنْقَادٌ

و برخی افعال معتل العین، بر خلاف قاعده اعلال نشده و بنابر قاعده تبعیت اسم فاعلشان نیز اعلال نمی‌شود:

يَعُورُ ← عَاوِرٌ [یک چشم بودن] - يَصِيدُ ← صَائِدٌ [گردن کشی و سرکشی کردن].

۳- معتل اللام: در ثلاثی مجرد و غیر آن، لام الفعل از اسم فاعلش حذف می‌شود مانند:

قاضٍ: قاضِيٌّ + ن — (ضمه بر یاء ثقیل است) ← قاضِيٌّ + ن — (التقاء ساکنین) ←

قاضٍ + ن ← قاضِيٌّ^۴.

۱. صیغ و ضمائر اسم فاعل: اسم فاعل دارای شش صیغه است یعنی برای غائب، مخاطب و متکلم به یک شکل به کار می‌بریم. اسم فاعل نیز همچون فعل معلوم دارای فاعل و فاعل آن یا بارز که شامل: اسم ظاهر یا ضمیر بارز است می‌شود و یا مستتر.

۲. نحو الوافی، جلد ۳، ص ۲۳۹.

۳. علوم العربیه، جلد ۱، ص ۳۵۸.

۴. البته این اعلال در صورتی است که آخر کلمه و یا کسره باشد و در حالت مفتوح اعلال نمی‌شود: قاضياً - واقياً.

گفتار ۵؛ نحوه ساخت صفت مشبّهه^۱:

الف) در ثلاثی مجرد؛ به غیر از موارد اندکی، اوزان صفت مشبّهه سماعی‌اند.^۲ برخی از

آن‌ها عبارتند از:

فَعْل: صعب	فَعِيل: سبید (مختص به اجوف است)	أفعل: أحمر
فَعْلان: عطشان	فِعال: قوام	فُعْلان: عُریان
فُعْال: شجاع	فَعْل: حَسَن	فَعِيل: جمیل
فُعْل: نُکو	فَعْل: جبان	فَعول: خدوم

ب) در غیر ثلاثی مجرد: بر وزن اسم فاعل و اسم مفعول آن می‌آید به شرط آنکه از آن

ثبوت و دوام اراده شود.^۳ مانند: مُؤْمِن - مُسْتَقِيم - مُسْتَمِر - مُسْتَدِيم. طاهر القلب - ضامر البطن.

برخی از اوزان صفت مشبّهه در ضمن یک بیت شعر چنین آمده است:

صُلْب و حَسَن، صَعْب و حَسِن، عطشان، شجاع، احمد، جبان

مِلح و ذلول است و جُنُب، دیگر شریف است ای جوان

۱. النحو الوافی، جلد ۳، از صفحه ۲۸۳ الی ۲۸۹ مطالب به نسبت جمع آوری شده است.

۲. صفت مشبّهه در فعل ثلاثی مجردی که دلالت بر رنگ، عیب و یا زینت ظاهری داشته باشد قیاسی و بر وزن أَفْعَل [اسوء- ابلح] می‌باشد.

۳. صیغ صفت مشبّهه و ضمائر آن: از جهت تعداد صیغه‌ها و ضمائر آن‌ها همانند اسم فاعل است.

فصل سوم: تأثیر تفاوت‌های اسم فاعل و صفت مشبیه در ترجمه قرآن

گفتار اول؛ تأثیر تفاوت‌ها:

همانطور که گفته شد، اسم فاعل و صفت مشبیه از جهاتی شبیه به هم‌اند و از دلایل مهمی که موجب شد به بررسی تفاوت‌های آن‌ها بپردازیم داشتن وجوه اشتراکی بود که ممکن است در بعضی مواقع سبب به اشتباه افتادن افراد به خصوص در شناخت و ترجمه آن‌ها شود. حال مسئله این است که دانستن و علم به این تفاوت‌ها چه تأثیراتی در نحوه ترجمه این دو کلمه دارد؟ باید دقت کرد که ما اینجا تأثیر تفاوت‌های آن‌ها را بر ترجمه می‌خواهیم بررسی کنیم و با استقرائی^۱ که صورت گرفت به این نتیجه رسیدیم که از تفاوت‌های اسم فاعل و صفت مشبیه بیش از هم، تفاوت در ثبوتی یا حدودی بودنشان است که حائز اهمیت بوده و در جاهایی که صفت مشبیه‌ای ممکن است با وزن اسم فاعل و ثبوتی معنا شود ممکن است فرد را دچار خطا کند و بالعکس عمل کنید. و البته شایان ذکر است که تفاوت‌های دیگر آن‌ها نیز مهم و جای بحث دارد که در این پژوهش مجال بحث ما نیست. بحث ما نیست و سعی شده در اینجا به تفاوت اهم که همان تفاوت در ثبوتی یا حدودی بودن است پرداخته و تبیین گردد.^۲

گفتار دوم؛ مصادیق:

۱- (قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُونَ). [بقره: ۱۴] ← در اینجا اسم فاعل مُسْتَهْزِء «مسخره کننده» به صورت ثبوتی معنا شده و استهزاء [برای آن‌ها] صفتی ثابت در نظر گرفته شده است که به صورت صفت مشبیه معنا می‌شود.

۲- (وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ).^۳ [بقره: ت ۱۵۷] ← اینجا (الْمُهْتَدُونَ) اسم فاعل است اما از

۱. این استقراء صورت گرفته، از نوع استقراء ناقص می‌باشد.

۲. کتاب معنی الفقیه، صفحات ۳۱۷ و ۳۴۲ و نیز کتاب مبادی العربیه صفحات ۹۳ و ۹۸.

۳. شماره ۱ و ۲ از کتاب معنی الفقیه / صرف جامع، ص ۳۱۸.

آن معنای ثبوتی مستفاد بوده و آن را هدایت یافتگان معنا می‌کنیم چرا که هدایت شدن توسط خداوند امری است ثبوتی و وصفی است ثابت و این گونه نیست که از افعال متجدد و تغییرپذیر بوده، حدوثی مدنظر باشد.

۳- (غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ). [غافر: ۳] ← غَافِر و قَابِل در اینجا دو وصف هستند که معنای ثبوت از آن‌ها به چشم می‌خورد و دلیل آن این است که تقید به زمان و نیز تجدد ندارند و البته نمی‌توانیم آن‌ها را صفت مشبیه در نظر بگیریم^۱ به این خاطر که غافر و قابل هر دو متعدی‌اند و همانطور که گذشت صفت مشبیه فقط از فعل لازم ساخته می‌شود پس این دو کلمه، مطابق وزنشان اسم فاعلی معنا می‌شود.

۴- (وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ). [نجم: ۶۱]^۲ ← در اینجا نیز (سَامِدُونَ)، جمع سَامِد (هوسرانان- غفلت‌زدگان) چون یک ویژگی همیشگی است ثبوتی معنا می‌شود و چون صلاحیت تطبیق بر هر سه زمان ماضی، حال و آینده را دارد پس اسم فاعل می‌باشد و البته ریشه آن فعل، لازم می‌باشد.

۵- (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ). [حمد: ۶] و (قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ). [انعام: ۱۶۱] ← در هر دو آیه مراد معنوی از کلمه مستقیم معنایی ثبوتی است چرا که راه راست همیشگی راست است و مجرد و تنوع در راست بودنش رخ نمی‌دهد. از طرفی وزن کلمه از اوزان اسم فاعل و چون صلاحیت تطبیق بر هر سه زمان ماضی، حال و آینده را دارد پس آن را صفت مشبیه در نظر می‌گیریم.

۶- (وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ). [بقره: ۱۰۴] ← در بعضی کتب مانند «مفردات» و «قاموس» و... الیم را به معنای اسم فاعل (مؤلم) گرفته‌اند اما همانطور که از وزن کلمه (که بر وزن فعیل است) مشخص است و نیز از معنای ثبوتی و استمرار داشتن مفهوم آن (عذاب آخروی و همیشگی)، این کلمه صفت مشبیه می‌باشد.

۱. هر چند که صفت مشبیه و اسم فاعل در بعضی اوزان مشابه‌اند مانند (فاعل).

۲. شماره ۳ و ۴ از کتاب معنی الفقیه / صرف جامع صفحه ۳۱۹.

۷- (أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ). [نساء: ۱۲۵].^۱

۸- (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ). [بقره: ۱۹۵].^۲

۹- (فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا). [احزاب: ۲۹] ← کلمات مُحْسِن،

مُحْسِنِينَ و مُحْسِنَاتٍ در آیات زیر بر خلاف داشتن ظاهر و وزن اسم فاعل گونه، صفت مشبَّهه هستند چرا که از آن‌ها معنای ثبوت و دوام اراده شده است و نیز مؤید دیگر بر صفت مشبَّهه بودن این کلمات عدم جواز مقدم شدن معمول منصوبشان به آن‌هاست که از خصوصیات منحصر به فرد صفت مشبَّهه می‌باشد.^۳

۱۰- (فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ). [نساء: ۳۴] ← کلمات

«الصَّالِحَاتُ، قَانِتَاتٌ و حَافِظَاتٌ» در این آیه شریفه به خاطر اراده معنای ثبوتی و دوامی و بر خلاف داشتن وزن و ظاهر اسم فاعلی، صفت مشبَّهه می‌باشند چرا که شایسته بودن، خاضع بودن و حافظ بودن از ویژگی‌ها و اوصافی است که همیشگی هستند و مختص به وقت و زمان خاص و محدودی نیستند که اسم فاعلی معنا شوند، لذا صفت مشبَّهه در نظر می‌گیریم.^۴

۱. شماره‌های ۵ و ۶ و ۷ و ۸ از تفسیر شریف المیزان ذیل آیات مربوطه و نیز ترجمه قرآن کریم، استاد ابوالفضل بهرام‌پور.

۲. همان.

۳. کتاب قاموس قرآن، جلد ۲، ص ۱۳۶ و نیز ترجمه استاد بهرام‌پور در قرآن کریم.

۴. شماره‌های ۹ و ۱۰، از کتاب تفسیر شریف المیزان، ذیل آیات مربوطه و نیز ترجمه قرآن کریم، استاد ابوالفضل بهرام‌پور.

فصل چهارم: نتیجه گیری

با بررسی و تحقیق بعمل آمده روشن شد که اسم فاعل و صفت مشبیه اسمائی هستند که با یکدیگر شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند. هر دوی آن‌ها دلالت بر معنایی و صاحب آن می‌کردند اما دلالت اسم فاعل حدوثی و صفت مشبیه به نحو ثبوتی بود.

با بیان دیگر تفاوت‌ها متنبه گشتیم که هر جا کلمه‌ای را مشاهده نموده و نتوانستیم قاطعانه مشخص کنیم اسم فاعل است یا صفت مشبیه، تعاریف و ویژگی‌های خاص هر کدام را بر کلمه عارض کرده و بررسی می‌کنیم و بر اساس ویژگی‌ها و صفاتی که فرا گرفتیم آن‌ها را از هم تشخیص و بنابر سیاق جمله و با قرائن موجود در جمله و البته در صورت لزوم با مراجعه به معاجم لغوی به معنای آن دست پیدا می‌کنیم.

همانطور که گذشت مهم‌ترین تفاوت معنایی اسم فاعل و صفت مشبیه تفاوت در ثبوتی یا حدوثی بودنشان است که در متن اصلی تفصیلاً به آن پرداخته شد. با بیان و بر شمردن قواعد اعلالی جاری بر اسم فاعل و صفت مشبیه نیز به این مهم دست یافتیم که گاهی در صورت جاری شدن برخی از این قواعد اعلالی بر کلمات دارای این شرایط، شکل آن‌ها بر حسب نوع و تعداد قواعد جاری شده تغییراتی می‌کند که بحمدالله با شناخت این قواعد، کلمات را نیز شناخته و تشخیص می‌دهیم.

اوزان و نحوه ساخته شدن هر یک از این دو اسم نیز در تشخیص و توانایی تفکیک آن دو به ما کمک می‌کند.

و در پایان نیز پیشنهاد می‌گردد که برای تعمیم این مسئله در قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) لازم است که به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های صفت مشبیه با اسم تفضیل و اسم فاعل با اسم مفعول نیز پرداخته شود چرا که در آیات، کتب و روایات مطالعه شده برای این پژوهش مواردی موجود بود که بیان می‌نمود ممکن است گاهی اسم فاعل با

اسم مفعول و حتی نیز در بعضی موارد صفت مشبیه با اسم تفضیل تداخل لفظی یا معنایی داشته باشند که با شناخت و تسلط به هر کدام به صورت مدوّن، احتمال خطا و اشتباه به همان نسبت کاهش می‌یابد.

و من الله توفیق.

منابع؛ کتابنامه

- ۱- *بداءة النّحو* - غلامعلی صفائی - مدیریت حوزه علمیه - ایران / قم - دوم - ۱۳۸۶ هـ.ش.
- ۲- *شرح نظام بر شافیه* - حسن بن محمد نظام الأعرج - دارالحجّه للثقافه - ایران / قم - اوّل.
- ۳- *المنجد فی اللّغه* - لوییس معلوف - مؤسسه انتشارات دارالعلم - ایران / قم - چهارم - ۱۳۸۷.
- ۴- *المعجم الوسیط* - ابراهیم انیس - عبدالحلیم منتصر - عطیه الصوالحی - محمد خلف احمد - مترجم: محمد بندر ریگی - انتشارات اسلامی - ایران - سوّم - ۱۳۸۹.
- ۵- *علوم العربیه* - هاشم حسینی طهرانی - مفید - ایران / تهران - دوّم - ۱۳۶۴ هـ.ش.
- ۶- *معنی الادیب* - جمال الدّین هشام بن الانصاری - محققین: ابوالقاسم علیدوست - سید قاسم حسینی - محمدرضا نائینی - غلامعلی صفایی - تصحیح و تنقیح: علیرضا رنجبر - مرکز حوزه علمیه قم المقدسه - سوّم - ۱۴۳۵ هـ.ق.
- ۷- *نحوالوافی* - عباس حسن - ناصر خسرو - ایران / تهران - دوّم - ۱۳۶۷ هـ.ش.
- ۸- *معنی الفقیه* - مصطفی جمالی - انتشارات دارالفکر - ایران / قم - سوّم ۱۳۹۲.
- ۹- *مبادی العربیه ۳* - رشید شرتوتی - تنقیح و اعداد: حمید مهدی - مؤسسه انتشارات دارالعلم - ایران - دهم - ۱۴۲۷.
- ۱۰- *تفسیر شریف المیزان* - محمد حسین طباطبایی - مترجم: محمد باقر موسوی - جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - دفتر انتشارات اسلامی - ایرن / قم - پنجم - ۱۳۷۴ هـ.ش.
- ۱۱- *قرآن کریم* - ابوالفضل بهرامپور - انتشارات آوای قرآن - ایران / قم - اول - ۱۳۹۲.
- ۱۲- *قاموس قرآن* - علی اکبر قرشی بنائی - دارالکتب الاسلامیه - ایران / تهران - ششم - ۱۳۷۱ هـ.ش.
- ۱۳- *صرف مقدماتی* - حمید محمّدی - انتشارات دارالعلم - ایران - بیست و ششم ۱۳۹۲.
- ۱۴- *علم صرف* - سید حمید جزایری و فرامرز علیزاده - مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه - دفتر تدوین متون درسی - ایران / قم - اول - ۱۳۹۴.